

تحلیل و بررسی جریان غلات در عصر امویان

کریمه سادات ناطقی^۱

چکیده

جریان‌های انحرافی غلات به گروه‌هایی اطلاق می‌شود که در تاریخ اسلام به دلیل برداشت‌های غلط از آموزه‌های دینی و اعتقادی از مسیر اصلی اسلام منحرف شدند. این جریان‌ها به‌ویژه در دوره امویان که یکی از مهمترین دوره‌های تاریخی در اسلام بود به وجود آمدند و با فعالیت‌های مخفیانه خود تأثیرات سیاسی و مذهبی عمیقی بر جامعه اسلامی گذاشتند. تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و تاریخی، دلایل شکل‌گیری غلات و رهبران و اقدامات آنها را بررسی می‌کند و هدف از آن، شناساندن افکار و اعتقادات فرقه انحرافی غلات و تأثیر عقاید آنها بر جامعه اسلامی است. در پژوهش حاضر، بحث غلو در کتب رجالی، کلامی و فرق و مذاهب و شیعه‌شناسی بررسی شده است.

واژگان کلیدی: عصر امویان، جریان‌های انحرافی، غلات.

۱. مقدمه

جریان‌های انحرافی غلات که در تاریخ اسلام بروز و ظهور پیدا کردند به تفسیرهای خاص و افراطی از دین و اسلام پرداخته‌اند و به دنبال جلب توجه پیروان خود بودند. این جریان‌ها با بهره‌گیری از احساسات مذهبی و نیازهای معنوی مردم توانستند تعداد زیادی را به سوی خود جذب کنند. دوران امویان با تحولات سیاسی و اجتماعی زیادی همراه بود. پس از رحلت پیامبر ﷺ خلافت به دست خلفای راشدین افتاد و سپس با تأسیس حکومت اموی، تحولات جدیدی در جامعه

۱. کارشناسی ارشد تاریخ اهل بیت (علیهم‌السلام)، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

اسلامی آغاز شد و امویان به دلیل سلطه بر قدرت و نارضایتی‌های اجتماعی، زمینه را برای ظهور جریان‌های انحرافی فراهم کردند.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. غلو در لغت و در اصطلاح

غلو، مصدر غلی - یغلو به معنی تجاوز از حد و حق هر چیزی است. اگر در مورد انسان‌ها به کار رود به معنی زیاده‌روی در قدر و منزلت آنهاست. غالی، اسم فاعل از همین ماده به کسی گویند که غلو کند و جمع آن غلات است. (ابن منظور، ۱۳۰۰ هـ.ق، ۱۳۱/۱۵) معنای غلو در اصطلاح فرقه‌شناسان عبارت است از: قایل بودن به مقامات فوق بشری برای پیامبر ﷺ یا امام علی علیه السلام و فرزندان او در افراطی‌ترین حد اعتقاد به جنبه خدا بودن آنها. به عبارت دیگر، برداشتن حد خلق از آنها و باور کردن حاکم خالقیت بر آنهاست (نوبختی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ص ۲۲). غلو هنگامی است که محبت از حد تکلیف شرعی فراتر رود مانند اعتقاد به علم غیب مستقل با الوهیت برای ائمه علیهم السلام.

۳. دلایل شکل‌گیری غلات

اصل پدیده غلو در میان برخی از مردم ساده‌دل از یک منشأ روانی و عاطفی سرچشمه می‌گیرد. برای مثال، هر کس برای توجیه و دفاع از عقیده خود سعی دارد آن را از حد خود فراتر نشان دهد تا در میان مردم مذمت نشود، مردم درباره رهبران غیرمذهبی خود مانند رئیس جمهور، فرماندار و حتی کدخدای یک ده نیز گاهی از حد اعتدال خارج می‌شوند و کمالات و شایستگی‌هایی را که ندارند به آنها نسبت می‌دهند. این منشأ روانی و عاطفی در بیشتر شیعیان ساده‌دل وجود داشته و دارد و آنها را به غلو درباره اهل بیت و معصومین علیهم السلام وادار می‌کند. گاهی معجزات و کراماتی را که به آنها و نسل آنها نسبت می‌دهند واقعیت ندارد. برای مثال، یکی از یاران امام صادق علیه السلام به نام صالح بن سهل اعتقاد داشت که امام صادق علیه السلام ربوبیت دارد و پروردگار است. امام علیه السلام به او فرمود: «ای صالح، به خدا سوگند که ما بنده و مخلوق هستیم و پروردگاری داریم که او را عبادت می‌کنیم و اگر او را عبادت نکنیم او ما را مجازات و عذاب خواهد کرد» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۳۰۳/۲۵).

۴. برخی از علل پدیده غلات از منظر روایات

- در برخی از روایات شیعه، جهل و ناآگاهی مردم، یکی از علت های غلو ذکر شده است. امام رضا علیه السلام می فرماید: «برخی از مردم ساده دل به دلیل مشاهده برخی از کرامات در آئمه چون نمونه آنها را در مردم عادی ندیده بودند، تصور می کردند که حتما صاحب این کرامات، مقامی مافوق بشری دارد. به همین دلیل به خدا بودن امامان علیهم السلام یا حلول روح خدایی در آنها قائل بودند». (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۲۷۱/۲۵)

- در برخی از روایات، امام سجاد علیه السلام علت غلو را دوست داشتن زیاد مطرح می کند و می فرماید: «یهودیان آن قدر به عزیر علاقه داشتند که او را پسر خدا می دانستند و مسیحیان از شدت علاقه به حضرت عیسی علیه السلام نیز او را پسر خدا می خواندند، درحالی که عزیر و مسیح از آنها برأت جستند و آنها نیز پیروان واقعی عزیر و مسیح نبودند. همچنین گروهی از شیعیان از شدت محبت، ما را از حد خود فراتر بردند، درحالی که نه آنها از ما هستند و نه ما از آنها». (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۲۸۸/۲۵)

- برخی از کسانی که می خواهند برای تشیع ریشه ایرانی بسازند حرکت غلات را این گونه توجیح کرده اند: ایرانیان تازه مسلمان اگرچه در ظاهر به اسلام گرویده بودند، اما نسبت به باورهای پیشین خود تعلق خاطر داشتند و یکی از عقاید آنها این بود که برای پادشاهان خود تقدس ویژه ای قائل بوده و مقام پادشاهی را عنایت خاص خداوند به آنها می دانستند؛ یعنی خداوند خواسته که این مقام را فقط در این خاندان قرار دهد و این موهبتی الهی است که هیچ کس حق گرفتن آن را ندارد. بنابراین، پس از پذیرش اسلام به دنبال اشخاصی بودند که چنین تقدسی را به آنها منتقل کند و از آنجا که دریافتند شیعیان برای امامان خود مقامات ویژه ای قائل هستند، به شیعه روی آوردند و مقامی را که برای پادشاهان خود قائل بودند برای امامان شیعه نیز منتقل کردند و کم کم آنها را به مرحله خدایی رساندند. (فیاض، بی تا، ص ۸۷)

۵. شیعیان افراطی و غلو

برخی از شیعیان افراطی گرفتار غلو شدند. مواردی مانند عشق مفرط، جهل و نادانی، دفاع ناآگاهانه و بد، دنیاخواهی، قدرت طلبی، ترویج عقاید افراطی از سوی دشمنان، وجود عالمان بی پروا و جاهلان پارسا و... عواملی برای ارائه چهره تحریف شده از دین است. پیدایش غلات از زمان امیرالمؤمنین علیه السلام است. شخصیت امام علیه السلام به گونه ای بود که دو برخورد افراطی و تفریطی را درباره ایشان در میان مردم به وجود آورد به طوری که تا حد نسبت دادن صفاتی لاهوتی به ایشان و گاه در حد تکفیر با آن حضرت برخورد می شد. امام علی علیه السلام با شدت با آنها برخورد کرد، اما به تدریج زمینه رشد آنها فراهم شد. این زمینه چنان بود که گروهی به طرفداری از اهل بیت علیهم السلام پدید آمدند و زمانی که شدت دشمنی امویان را دیدند به تدریج در دوستی افراط کردند. عوامل سیاسی در ظهور و گسترش اعتقاد به غلو بیش از هر عامل دیگری مؤثر بود. پس از شهادت امام حسین علیه السلام و خروج مختار، ادعاهای غالی گری رونق گرفت و این تفکرات با شمه ای از محبت شکل گرفت. در زمان امام سجاد علیه السلام آن حضرت سخت در برابر غلو ایستادگی کرد. این عقاید انحرافی در میان شیعیان عراق، امام علیه السلام را وادار می کرد تا از موضع گیری و برقراری رابطه مستقیم و حمایت کامل از آنچه که در عراق می گذرد، خودداری کند. (مفید، ۱۳۷۱، ۱۴۱/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ۴۶/۳)

فضای جامعه شیعه در واکنش به روش های دشمنانه امویان بر پایه حب اهل بیت علیهم السلام استوار شده و سپس به افراط کشیده شده بود. محدوده شروع غلو مربوط به نیمه نخست قرن اول و بیشتر در سال های ۷۰ به بعد است، اما اینکه چرا غلو در عراق پدید آمد (چه در زمان امام علی علیه السلام یا پس از آن) می توان آن را به محیط عراق مربوط دانست که محیطی با فرهنگ های متفاوت و کهن بود. در این فرهنگ که بخشی از آن نیز فرهنگ مسیحی بود، نگره های غلوگرایانه بسیار وجود داشت. بنابراین، زمانی که اسلام به عراق راه یافت به شکل طبیعی مسلمانان از این قبیل فرهنگ ها تأثیر گرفتند (ابن ابی الحدید، ۱۴۲۴ ه.ق، ۵۱/۷). از سال های آغازین قرن دوم، جریان غلو در قالب موجی فکری - سیاسی در درون جامعه عراق وجود داشت (جعفریان، ۱۳۸۱، ص ۵۸).

در اواخر قرن سوم و چهارم، نام ابن سبع به کتاب‌های فرقه‌شناسی راه یافت و از آنجا به روایات نفوذ کرد. در کتب فرقه‌شناسی عقایدی مانند الوهیت حضرت علی علیه السلام، مهدویت آن حضرت، تناسخ، انکار روز قیامت و معاد، حلول جزء الهی در حضرت علی علیه السلام، وجود حضرت در ابرها و رجعت آن حضرت به او نسبت داده شده است. (شهرستانی، ۱۳۸۱؛ اشعری، ۱۴۱۶ هـ.ق) شیخ مفید از سفیان بن عیینه از ابن شهاب زهری نقل می‌کند: «علی بن حسین علیه السلام که در روزگار ما از بهترین هاشمی بود، می‌گفت: ما را براساس حب اسلام دوست بدارید. حب شما تا آنجا پیش رفته که سبب عیب‌جویی از ما شده است». مجلسی معتقد است که بر پایه این روایت، آن حضرت، دوستی اهل بیت علیهم السلام را در حد قانون اسلام لازم شمرده و اضافه بر آن را افراط دانسته است (مفید، ۱۳۷۱، ۱۴۱/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۳/۴۶). آن حضرت خطاب به اهل عراق فرمود: «ما را در حدی که اسلام گفته است دوست بدارید و ما را بیشتر از آنچه هستیم، بالا نبرید» (ذهبی، ۱۴۲۳ هـ.ق، ۳۸۹/۴؛ ابن سعد، بی تا، ۲۱۴/۵).

عصر امام باقر علیه السلام دوره‌ای است که این انحراف به شکل روشنی آشکار شد و چهره‌های منحرف غلات، کار رهبری انحراف را به دست گرفتند و عده‌ای را فریب دادند. از جمله این افراد، مغیره بن سعید بود که بیشتر حیات خود را در زمان امام باقر علیه السلام سپری کرد و در سال ۱۱۹ به دست خالد بن عبدالله قسری، حاکم عراق سوزانده شد. درحالی که او و اصحابش توسط خالد آتش زده شدند، ولی حاضر به بازگشت از عقاید خود نبودند. امام باقر علیه السلام نیز از او بی‌زاری جست. (ابن سعد، بی تا، ۳۲۱/۵) امام صادق علیه السلام نیز بخشی از عمر خود را در دوره امویان سپری کرد و غلات نیز در این دوره و تا دوره بنی عباس وجود داشتند.

امام صادق علیه السلام و سایر ائمه به شدت در برابر انحراف ایستادگی کردند. قیام علمی امام علیه السلام برای تهذیب شیعه و نفی و دور کردن غلو از شیعیان از مهمترین اقدامات امام صادق علیه السلام برای حفظ فرهنگ اصیل اسلام که در دست ائمه بوده و توسط آنها به شیعه به ارث رسیده است برای طرد و نفی غالیان و رد دیدگاه‌های آنهاست.

۶. رهبران جریان انحرافی غلو

از مهمترین و زیان‌بارترین توطئه‌های غلات، ساختن روایات و احادیث با سندهای معتبر و جای دادن آن در میان کتاب‌های یاران ائمه علیهم‌السلام بود و به این وسیله نقش بزرگی در جایگزین کردن افکار انحرافی در میان شیعیان داشتند که تا به حال نیز آثار آن باقی است. برای نمونه، یونس بن عبد الرحمن، یکی از مهمترین اصحاب امام رضا علیه‌السلام و از اصحاب اجماع، احادیث بسیاری را رد می‌کرد و آنها را دروغ می‌دانست. وقتی به او اعتراض شد در پاسخ گفت: «من به عراق سفر کردم و در آنجا با تعداد زیادی از اصحاب امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام دیدار کردم و سخنان آنها را به خاطر سپردم و از کتاب‌هایشان نسخه‌برداری کردم، سپس آن کتاب‌ها را به امام رضا علیه‌السلام ارجاع دادم و آن حضرت احادیث بسیاری را رد کرد و اینکه آن احادیث از امام صادق علیه‌السلام باشد را انکار کرد و به من فرمود: "همانا ابوالخطاب (که از سران غلات بود) بر ابوعبدالله دروغ می‌بست، پس خداوند ابوالخطاب و یارانش را لعنت کند که این احادیث را تا امروز در کتاب‌های امام صادق علیه‌السلام جای می‌دهند».

آن‌گاه امام رضا علیه‌السلام برای تشخیص احادیث درست از نادرست فرمود: «چیزی از احادیث ما که خلاف قرآن باشد را نپذیرید؛ زیرا سخنان ما موافق با قرآن و سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. همانا سخن پایانی ما مانند سخن آغازین ماست، پس هر سخن که حقیقت و نورانیت ندارد از ما نیست و از گفته‌های شیطان است». (کمره‌ای، ۱۳۵۱، ص ۱۷۰) جست‌وجو و تحقیق در مورد ویژگی‌های شخصیتی رهبران غلات مانند ابوالخطاب، مغیره بن سعد و دیگران نشان می‌دهد که افراد شیاد و زیرک بوده‌اند که برای رسیدن به جاه و جلال، اقدام به بهانه‌کردن الوهیت امامان علیهم‌السلام می‌کردند و خود را پیامبر، واسط و نماینده ایشان معرفی و مطرح کرده، از احساسات مردم ساده‌دل سوءاستفاده و با تشکیل فرقه و گروه، آنها را گمراه می‌کردند و آنها می‌دانستند که برخی از مردم، دروغ‌های بزرگ‌تر را زودتر باور می‌کنند. همچنین به این نکته توجه داشتند که هرچه ادعا بزرگ‌تر باشد پیروان بیشتری را جذب خواهند کرد و ادعای الوهیت ائمه علیهم‌السلام را مطرح می‌کردند تا طرفداران بیشتری پیدا کنند (فیاض، بی‌تا، ص ۸۷).

۷. مؤلفه‌های فکری

باور به مهدویت امام باقر علیه السلام از اعتقادات برخی از غالیان بود که امام صادق علیه السلام آن را انکار کرد. (طوسی، ۱۳۴۸، ص ۳۰۰) باور به نبوت برخی از امامان معصوم نیز در میان غلات وجود داشت. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «کسی که بگوید ما نبی هستیم، لعنت خدا بر او باد و کسی که در این امر تردید کند بر او نیز لعنت خدا باد» (طوسی، ۱۳۴۸، ص ۳۰۱). برخی از غالیان، لفظ «اله» را با امام یکی می‌دانستند و در تأویل آیه «هو الذی فی السماء اله وفی الأرض اله» بر این عقیده بودند که مراد از خدای زمین، همان امام است. این عقاید آنها سبب شد امام صادق علیه السلام آنها را بدتر از مجوس، یهود، نصارا و مشرکین بخواند (طوسی، ۱۳۴۸، ص ۲۹۴). یکی از عقاید تأویل‌گرایانه غالیان، نمادین کردن مفاهیم دینی بود به طوری که آن مفاهیم، معنای اصلی خود را از دست می‌داد.

امام صادق علیه السلام در نامه‌ای به ابوالخطاب که یکی از رهبران غلات بود، نوشت: «شنیده‌ام که گفته‌ای زنا، خمر، نماز، روزه و فواحش، مردانی هستند به این نام‌ها. این گونه نیست که تو می‌گویی، ما اصل حق بوده و فروع حق، طاعت خداست. دشمنان ما نیز اصل شد و فروع آنها همان فواحش و زشتی‌هاست». (طوسی، ۱۳۴۸، ص ۲۹۱) تفکر، عملکرد و عقاید غالیان، نه تنها از باطن سبب ایجاد آشفتگی در عقاید شیعه می‌شد و آن را منزوی می‌کرد، بلکه شیعیان را در نظر دیگران، انسان‌های بی‌قید و بند نشان می‌داد. برای مثال، یکی از خوارج، شیعیان را متهم کرده بود که آنها گمان می‌کنند به دلیل دوستی اهل بیت علیهم السلام از انجام اعمال صالح بی‌نیاز بوده و از عذاب نجات پیدا می‌کنند (الاصفهانی، ۱۹۶۳ هـ.ق، ۱۰۷/۲۰). دین‌زدگی، یکی از مهمترین آثار وجودی فرقه‌های غالی در میان نسل جدید بود که به سبب وجود باورها و تعالیم بی‌پایه و اساس در میان پیروان آنهاست. وجود غلات در سرزمین‌های اسلامی از آنجا که به نام تدین رواج یافته، موجب مخدوش شدن چهره دین می‌شود، اثرات زیان‌باری بر پیکره امت اسلامی وارد می‌کند و مستمسک بسیار خوبی برای دشمنان دین اسلام است (شقاقی، ۱۳۹۰، ص ۲۸۸).

متأسفانه نه تنها ارباب فرق و مذاهب، بلکه عموم رجال شناسان اهل سنت، تفاوت زیادی بین شیعیان و غالیان نمی‌گذارند و مردم را از پذیرفتن احادیث آنها برحذر می‌دارند. یکی از دلایل این بدبینی، راه یافتن اندیشه‌های غالی در میان شیعیان است. وجود روایاتی در مورد تمرین قرآن نیز نمونه دیگری است که در برخی از کتاب‌های حدیثی شیعه موجود بوده و اصل آن از غلات است. (جعفریان، ۱۳۹۶، ص ۶۶) در مسائل عبادی، التزامی به تکالیف شرعی نداشتند و تنها ریا در انزار عمومی، اعتقاد به تکالیفی مثل نماز، روزه و غیره را به شکل سمبلیک توجیه و تفسیر می‌کرد. آنها بر این باور بودند که اظهار محبت به امام علیه السلام از ادای تکلیف کفایت می‌کند. پیامد این اعتقاد، مرتکب شدن به گناهان و معاصی بود. از نظر اخلاقی و رفتاری، انسان‌های بی‌بندوباری بودند که به ترویج اباحی‌گری می‌پرداختند و همه تعالیم دینی را فاقد ارزش و حقیقت می‌دانستند.

۸. اقدامات غالیان

- دنیاطلبی، جذب مرید و گرفتن پول برای کسانی از غلات بود که مدعی نیابت از ائمه بودند و آنها را به مقام الوهیت می‌رساندند. امام صادق علیه السلام فرمود: «و مردم در دروغ بستن بر ما ولع دارند. من برای یکی از آنها حدیث نقل می‌کنم و او از نزد من بیرون نرفته، آن را به غیر معنای اصلی‌اش تأویل می‌کند. آنها در طلب حدیث و دوستی ما طالب چیزی که نزد خداوند است، نیستند، بلکه در پی دنیاطلبی خویش هستند» (مفید، بی‌تا، ص ۲۷).

- دعوت از پیروان خود برای عمل نکردن به فروع فقہی، تا جایی که از قول امام صادق علیه السلام چنین نقل می‌کردند: «هر کس امام را شناخت، هر کاری که بخواهد، می‌تواند انجام دهد». امام علیه السلام در پاسخ به این شبهه فرمود: «من گفتم: وقتی امام را شناختی، آنچه از اعمال نیک (کم یا زیاد) می‌خواهی، انجام بده. این معرفت است که سبب قبولی اعمال تو می‌شود» (کلینی، بی‌تا، ۴/۴۶۴).

- مخلوط کردن احادیث درست که از امامان نقل شده با احادیث نادرست.

-مهمترین اقدامات غلو که در روایات به آن اشاره شد، کوچک کردن عظمت و قدرت خداوند است. امام صادق علیه السلام در حدیثی با هشدار به پیروان خود مبنی بر دوری جستن از غلات می‌فرماید: «اینان عظمت و شوکت پروردگار را کوچک نموده، ادعای ربوبیت برای غیر خدا می‌کنند» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۲۶۵/۲۵).

۹. موضع امامان در برابر غلات

امام صادق علیه السلام از راه تبیین عقاید و معارف درست و گام برداشتن در مسیر اعتدال، راه درست آشنایی با اسلام و مذاهب را نشان داد و به افشاگری ضد رهبران غلاه و اهداف و سیاست‌های آنها پرداخت، شیعیان را از آنها برحذر داشت و از هم‌نشینی با آنها نهی کرد. ایشان فرمود: «جوانان خود را از غالیان برحذر دارید تا ایشان را فاسد نکنند؛ زیرا آنها بدترین آفریدگان خداوند، بزرگ خدا را کوچک شمارند و برای بندگان، ادعای خدایی کنند» (شیخ صدوق، ۱۳۷۶ هـ.ق). امام رضا علیه السلام فرمود: «هر کس است که هر کس با ایشان بنشیند و بیامیزد و بخورد و بیاشامد و بیبویند و ازدواج کند و... از ولایت خداوند و ولایت ما اهل بیت بیرون است» (مشکور، ۱۴۰۴ هـ.ق، ص ۳۴۵). طرد و نفی آنها و اعلان بیزاری از ایشان، شیوه‌هایی بود که امام علیه السلام در پیش‌گرفت تا همگان را از خطر آنها آگاه و خط خود را از آنچه ادعای آنها بود، جدا کند. امامان علیه السلام به لعن و تکفیر غلات پرداختند و در مواردی فرمان اعدام سران آنها را صادر کردند (عاملی، بی‌تا، ص ۳۲). این سیاست‌های کلی امامان شیعه علیه السلام در برخورد با غلات بود (مشکور، ۱۴۰۴ هـ.ق، ص ۳۴۷).

۱۰. نتیجه‌گیری

فرهنگ اسلامی به‌طور کلی و مکتب تشیع به‌طور خاص، براساس اعتدال و میانه‌روی بنا نهاده شده و از هرگونه افراط و تفریط نکوهش شده است. براساس افکار غالیان بر افراط و تفریط، ائمه معصومین و رهبران دینی بر اعتدال در افکار و عقاید از یک‌طرف و عمل در رفتار از طرف دیگر توصیه کرده‌اند. روشن است که رهبران دینی هر حرکتی را با استفاده از رهنمودهای قرآنی انجام می‌دادند و به دیگران هم سفارش می‌کردند. قرآن کریم، یکی از مشخصات بارز در توصیف امت

پیامبر ﷺ این امت را وسط بودن معرفی می‌کند و می‌فرماید: «و کذلک جعلناکم امة وسطاً؛ و ما شما را این چنین امتی وسط قرار دادیم...» (بقره: ۱۴۳). پس به تبیین صحیح از آموزه‌های اسلامی و ضرورت توجه به تنوع فکری در جامعه اسلامی هستند. در نهایت، تاریخ این جریان‌ها یادآوری می‌کند که هرگونه انحراف از اصول صحیح دینی و افراط یا تفریط می‌تواند به بحران‌های اجتماعی و مذهبی منجر شود.

فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین ابی بکر محمد بن محمد (۱۴۲۴ ه.ق). شرح نهج البلاغه. محقق: محمد عبدالکریم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. ابن منظور، جمال الدین (۱۳۰۰). لسان العرب. بیروت: دار الصادر.
۳. الاشعری، علی بن اسماعیل (۱۴۱۶ ه.ق). مقالات الفرق الاشعریه. محقق: محمد محیی الدین عبدالحمید. بیروت: المكتبة العصریه.
۴. الاصفهانی، ابوفرج علی بن الحسین (۱۹۶۳). الاغانی. محقق: وزاره الثقافه والارشاد القومی. القاهرة: المؤسسة المصریه العامه.
۵. جعفریان، رسول (۱۳۸۳). تاریخ خلفا از رحلت پیامبر ﷺ تا زوال امویان. قم: دلیل ما.
۶. جعفریان، رسول (۱۳۹۶). اکذوبه تحریف القرآن بین الشیعہ و السنه. قم: نشر دلیل ما.
۷. جعفریان، رسول (۱۳۹۷). گزیده حیات سیاسی و فکری امامان شیعه. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
۸. داداش‌زاده، منصور (۱۳۸۹). تاریخ تشیع. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. الذهبی، محمد بن احمد (۱۴۲۳ ه.ق). سیر اعلام النبلاء. محقق: شعیب الارناؤوط و آخرون. بیروت: مؤسسه الرساله.
۱۰. شقاقی، محمد (۱۳۹۰). فرقه‌ها و مذاهب اسلامی در گذر تاریخ. تهران: صفوی راد.
۱۱. شهرستانی، عبدالکریم (۱۳۷۰). الملل و النحل. قم: اداره الحوزه العلمیه.
۱۲. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۸۱). الملل و النحل. مترجم: رضوانی. محمد رضا. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۳. شیخ مفید (۱۳۹۴). الامالی. محقق: استاد ولی، حسین، و غفاری، علی اکبر. قم: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۴. الشیخ الطوسی (۱۳۴۸). رجال کشی یا معرفه الرجال. مشهد: دانشگاه مشهد.
۱۵. الشیخ مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۱). الفصول المختاره من العیون و المقالات. قم: مکتبه الداوری کنگره شیخ مفید.
۱۶. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶). الاعتقادات فی دین الامامیه. اصفهان: نشر جهان.
۱۷. فیاض، عبدالله (بی‌تا). تاریخ الامامیه. تهران: انتشارات بهبهانی.
۱۸. کمره‌ای، میرزا خلیل (۱۳۵۱). آرای ائمه شیعه فی الغلاه. تهران: چاپ افست.
۱۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ه.ق). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۰. محمد بن سعد (۱۳۷۴). طبقات الکبری. مترجم: دامغانی، محمود مهدوی. تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.

۲۱. مفید، محمد بن محمد (۱۳۸۲). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. محقق: اعلمی، حسین. بیروت: دار الکتب الاسلامیه.

۲۲. نوبختی، حسن بن موسی (۱۴۰۴ هـ.ق). فرق الشیعه. بیروت: دار الاضواء.